

منهاج الطالبین محمود خوافی؛ نمونه‌ای از تداوم نوشته‌های بنیادین تصوف در قرن نهم هجری

رویا گل احمدی^۱، غلامرضا امیرخانی^{۲*}، بهرام پروین گنابادی^۱، فرهاد طهماسبی^۳

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- عضو هیأت علمی کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران.

۳- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

سال نوزدهم، شماره ششم، شهریور ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۴، صص ۹۷-۸۱

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8247>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: منهاج الطالبین را محمود بن محمد بن عبد السلام خوافی در ۸۲۵ هجری، به رشته تحریر درآورده است. این اثر، محتوایی عرفانی دارد و مؤلف کوشیده است با استفاده از آیات قرآن، احادیث نبوی، اشعار، سخنان و حکایات مشایخ، به تبیین احوال، مقامات و اخلاقی صوفیان بپردازد. پژوهش حاضر براساس یگانه نسخه خطی یافت‌شده، به معرفی و توصیف ویژگیهای ظاهری و محتوایی، بررسی اطلاعات موجود درباره مؤلف، سبک‌شناسی اثر و تبیین اهمیت آن در مطالعات عرفانی قرن نهم هجری میپردازد.

روش: این پژوهش از نوع نظری است و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده که ابزار اصلی آن مطالعات کتابخانه‌ای بوده است. در این پژوهش، نگارنده با بررسی نسخه خطی منهاج الطالبین و بر اساس کلیات پژوهش، جمع‌بندی، تحلیل و بررسی نهایی را انجام داده است.

یافته‌های پژوهش: اطلاعات کامل و دقیقی درباره مؤلف وجود ندارد و از پژوهش در متن کتاب مشخص میشود که در شکل دادن ساختار و محتوای آن، از کتابهای بنیادین علم تصوف مانند: شرح تعرف، رساله قشیریه، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه و برخی آثار عرفانی و اخلاقی قرن هشتم هجری همچون روضه خلد مجد خوافی بهره جسته است. از نظر فکری و محتوایی، مؤلف کمتر به تحلیل و شرح مفاهیم پیچیده و عمیق عرفانی پرداخته است، و بیشتر راوی اشعار، حکایات و اخبار مشایخ بوده است.

نتیجه‌گیری: اقتباس و تقلید مؤلف از کتابهای کهن تصوف کاملاً مشهود است و روایاتی از این آثار نقل کرده است که از لحاظ لفظ و ساختار کلمات شباهت فراوانی به اصل آن دارند. بر خلاف سایر تألیفات عرفانی عصر مؤلف، آراء و نظریات عارفان و مشایخ هم‌عصر مؤلف در منهاج الطالبین دیده نمیشود. و از این نقطه نظر که هیچ نشانه‌ای از عقاید مکتبها و طریقه‌های مشهور عصر مؤلف در آن وجود ندارد، استثنایی است. بدین لحاظ این پژوهش گامی مؤثر در مسیر شناخت این اثر و جایگاه آن در تاریخ ادبیات عرفانی به‌ویژه قرن نهم محسوب میشود.

تاریخ دریافت: ۱۰ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ داوری: ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ اصلاح: ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۱ تیر ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

منهاج الطالبین، محمود خوافی، تصحیح نسخه خطی، علم تصوف، احوال و مقامات

* نویسنده مسئول:

✉ head@nlai.ir

☎ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Minhaj al-Talibin by Mahmud al-Khafi; an example of the continuity of fundamental Sufi writings in the 9th century AH

R. Gol Ahmadi¹, Gh. Amirkhani^{*2}, B. Parvin Gonabadi¹, F. Tahmasebi³

1- Department of Persian Language and Literature, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Faculty Member, National Library of Iran, Tehran, Iran.

3- Department of Persian Language and Literature, Isl.C., Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 30 March 2026

Reviewed: 02 May 2026

Revised: 17 May 2026

Accepted: 02 July 2026

KEYWORDS

Minhaj al-Talibin, Mahmoud Khafi, manuscript correction, Sufism, status and authorities

*Corresponding Author

✉ head@nlai.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Minhaj al-Talibin was written by Mahmud ibn Muhammad ibn Abd al-Salam Khawafi in 825 AH. This work has a mystical content and the author has tried to explain the status, positions and ethics of Sufis using verses of the Quran, prophetic hadiths, poems, speeches and stories of sheikhs. Based on the only manuscript found, the present study introduces and describes the external and content features, examines the available information about the author, the stylistics of the work and explains its importance in mystical studies of the ninth century AH.

METHODOLOGY: This research is theoretical and was conducted using a descriptive-analytical method, the main tool of which was library studies. In this research, the author conducted a summary, analysis, and final review by examining the manuscript of Minhaj al-Talibin and based on the generality of the research.

FIND There is no complete and accurate information about the author, and research into the text of the book reveals that in shaping its structure and content, he used fundamental books of Sufism such as: Sharh Ta'ruf, Risale-i Qushayriyyah, Misbah al-Hidayah, and Miftah al-Kifayyah, and some mystical and ethical works of the eighth century AH, such as Rawda' of Khold Majd al-Khafi. In terms of thought and content, the author has less analyzed and explained complex and profound mystical concepts, and has mostly narrated poems, anecdotes, and news of the sheikhs.

CONCLUSION: The author's adaptation and imitation of ancient Sufi books is quite evident, and he has narrated narrations from these works that are very similar to the original in terms of wording and word structure. Unlike other mystical works of the author's era, the opinions and theories of the mystics and sheikhs of the author's era are not seen in Minhaj al-Talibin. And from this point of view, there is no sign of the beliefs of the famous schools and paths of the author's era in it, it is exceptional. In this regard, this research is considered an effective step towards understanding this work and its place in the history of mystical literature, especially the ninth century.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8247>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 19	 0	 0

مقدمه

نوشتن رساله و کتاب در میان صوفیان از قرن سوم هجری سابقه دارد، ولی از اواسط قرن چهارم دو نوع کتاب خاص در عرصه فرهنگ و ادب صوفیانه ظاهر شد: یکی کتابهایی درباره زندگی و سخنان مشایخ و دیگر کتابهایی در معرفی مکتب تصوف به عنوان یک علم، علمی مبتنی بر عمل. (پورجوادی، ۱۳۹۸، مقدمه علم التصوف) دسته دوم، مشتمل بر مباحث و مسایل مختلف تصوف است که نمونه بارز آن، کتاب *اللمع فی التصوف* است. (همان) *ابوبکر کلابادی* در کتاب *تعرف* نیز مطالب خود درباره علم تصوف را در بابی آورده است تحت عنوان «علوم صوفیه علوم احوال است». (کتاب *التعرف*، الباب الحادی و الثلاثون) از جمله علومی که وی به عنوان علوم صوفیه برشمرده، علم توحید است و علم حکمت و پس از آن علم معرفت. (شرح *التعرف* لمذهب التصوف، الباب الرابع و العشرون) این علوم و علوم دیگری که به احوال و مقامات مربوط میشود، همه به علم تصوف اختصاص دارد. مطالبی که نویسندگان صوفی با آنها سر و کار داشتند، علاوه بر آیات و احادیث پیامبر(ص)، سخنان بزرگان صوفی، حکایات آنان، اخلاق و کردار ایشان بود. (پورجوادی، ۱۳۹۸، مقدمه علم التصوف) این مطالب معمولاً درباره اعتقادات کلامی، مانند توحید و صفات و اسماء الهی، مقامات معنوی و احوال، اعمال و رفتار و اخلاق و عبادات بود. بعضی از این مسایل تقریباً در همه کتابها مطرح میشد مانند: بحث درباره مقاماتی چون زهد، توکل، محبت و ... این کتابها که بیشتر جنبه دستینه (Handbook) داشت، کتابهایی بود که برای مریدان نوشته میشد. (همان)

سنت نگارش این سبک از کتابهای تصوف با آثاری مانند: *رساله قشیریه* و *کشف المحجوب* (قرن پنجم هجری)، *آداب المریدین* و *التصفیة فی احوال المتصوفه* (قرن ششم هجری)، *عوارف المعارف* (قرن هفتم هجری) و *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه* (قرن هشتم هجری) ادامه یافت. اما در قرن نهم، رونق گرفتن مباحث جدید عرفانی مانند: وحدت وجود، مکتب ابن عربی و تعلیمات طریقه‌هایی چون نقشبندیه، سهروردیه و ... باعث فاصله گرفتن نویسندگان صوفی از این سبک تألیف و نگارش شد. *منهاج الطالبین* تألیف محمود بن محمد بن عبدالسلام خوافی - که در این مقاله به آن پرداخته‌ایم - از نمونه آثار نادر و ناشناخته قرن نهم هجری است که به پیروی از سبک و سیاق کتابهای کهن و بنیادین تصوف نگاشته شده است.

بیان مسئله

منهاج الطالبین از جمله آثار صوفیانه و اخلاقی است که در دهه‌های آغازین قرن نهم هجری تألیف شده است. یگانه نسخه خطی یافت شده از آن ما را به وجود این اثر رهنمون میگردد. پاره‌ای از دانسته‌ها مانند: نام مؤلف، تاریخ تألیف، منابع مؤلف و سبک نگارش، از متن نسخه خطی قابل درک است. برای اطلاعات تکمیلی نیاز است تا مجموعه‌ای از منابع دوران زندگی مؤلف همچون تذکره‌ها، تواریخ، کتابهای رجال و انساب، در کنار منابع کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی، مورد بررسی قرار گیرند.

محور اصلی مطالب *منهاج الطالبین* تبیین احوال، مقامات و اخلاق صوفیان است، در نتیجه نیاز است تا منابع مؤلف که کتابهای کهن و بنیادین علم تصوف هستند، شناسایی گردند و ساختار و محتوای *منهاج الطالبین* با آنها مقایسه شود.

در این پژوهش علاوه بر معرفی نسخه خطی *منهاج الطالبین* و گزارش ویژگیهای نسخه‌شناسی و رسم الخطی آن، به دنبال آن هستیم تا به پرسشها درباره زندگی و عقاید مؤلف، سبک نگارش و جایگاه اثر در میان آثار صوفیانه قرن نهم هجری و قبل از آن، پاسخ دهیم.

اهمیت و ضرورت پژوهش

بیشتر آثار تصوف به نثر فارسی که در سه دهه آغازین قرن نهم هجری نگارش یافته‌اند، رساله‌هایی معمولاً کوتاه از نویسندگانی چون *قاسم انوار*، *یعقوب چرخ*، *زین الدین خوافی* و ... هستند (نفیسی، ۱۳۴۴، ص ۲۲۶) که در بیشتر آنها مانند *منهاج الرشاد زین الدین خوافی* به بیان اندیشه‌ها و عقاید مکتب و طریقت نویسنده پرداخته شده است. (مایل هروی، ۱۳۸۳، ص ۴۷۵) در این دوره به‌ندرت اثری چون *منهاج الطالبین* تألیف محمود بن محمد بن عبد‌السلام *خوافی* می‌یابیم که به پیروی از سبک و سیاق کتابهای جامع، کهن و بنیادین تصوف نگاشته شده باشد و مؤلف از عقاید و روشهای صوفیانه و عرفانی عصر خویش کمتر تأثیر پذیرفته باشد. از این لحاظ معرفی و بررسی این اثر مستقل و ناشناخته از قرن نهم هجری میتواند زوایای جدیدی از اندیشه عرفانی این دوره را روشن سازد و اطلاعات ارزشمندی در خصوص نوعی قرائت از کتابهای کهن تصوف با سبک و نگارشی متفاوت در اختیار ما قرار دهد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع نظری است و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده که ابزار اصلی آن مطالعات کتابخانه‌ای بوده است. با توجه به ماهیت روش و موضوع تحقیق، مطالب و داده‌های پژوهش با استفاده از برگه نویسی از کتاب‌ها، نرم افزارهای رایانه‌ای، مقاله‌ها و نسخه‌های خطی جمع آوری شد. در این پژوهش، نگارنده با بررسی نسخه خطی *منهاج الطالبین* و بر اساس کلیات پژوهش، جمع‌بندی، تحلیل و بررسی نهایی را انجام داده است.

پیشینه پژوهش

جستجو در منابع کتابشناسی معتبر از جمله *فهرست‌واره کتابهای فارسی، دانشنامه جهان اسلام* و پایگاه‌های اطلاعاتی کتاب، مقاله، پایاننامه و نسخه‌های خطی مانند: *وبگاه کتابخانه ملی ایران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ایران‌دک* و... نشان میدهد که تاکنون هیچگونه پژوهش علمی در قالب مقاله، پایاننامه و کتاب در داخل و خارج از کشور درباره *منهاج الطالبین* و مؤلف آن صورت نگرفته است. یگانه نسخه خطی یافت‌شده از *منهاج الطالبین* نخستین بار در دفتر *کتابخانه ایاصوفیه* (۱۳۰۴ ق.) و پس از آن در *فهرست دستنویسهای فارسی کتابخانه ایاصوفیا* (۱۳۹۰ ش.) معرفی گردید. (دفتر کتابخانه ایاصوفیه، ۱۳۰۴، ص ۲۶؛ حسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۸)

بحث

مبحث احوال، مقامات و اخلاق صوفیه در کتابهای بنیادین تصوف همگی یا بخشی از کتاب را در بر گرفته است. *مقامات*، معنای آن، توقف بنده در پیشگاه خداست در انجام عبادتها، مجاهدات، ریاضتها، بریدن از خلق و پیوستن به خدا... و مقامات عارفان شامل: توبه، پرهیزگاری، زهد، فقر، صبر، رضا، توکل و مانند آن هستند. (اللمع فی التصوف، باب دوم از کتاب دوم) *احوال*، چیزهایی هستند که در دل درآیند، اما چندان نپایند. حال همچون: مراقبت، قرب، مهرورزی، خوف، رجا، شوق، انس، اطمینان، دیدار، یقین و نظایر آنهاست. (همان)

از آن نظر که منهاج الطالبین در ادامه سنت تألیف کتابهای بنیادین تصوف تألیف شده است، لازم است تا به معرفی اجمالی برخی از این کتاب‌ها پرداخته شود:

اللمع فی التصوف (قرن چهارم هجری)، به چهارده کتاب تقسیم شده است و هر کتاب به چند باب. کتاب دوم در احوال و مقامات است و در ۱۹ باب. بابهای توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل، رضا، مراقبه، محبت، خوف، رجا، شوق و ... را به عنوان مقامات و پس از آن بابهای قرب، انس، طمأنینه، مشاهده و یقین را به عنوان احوال آورده است. (همان)

شرح تعرف (قرن پنجم هجری): در چهار ربع است که هر ربع به چند باب تقسیم شده است. در ربع سوم، مقامات و احوالی چون: توبه، زهد، صبر، فقر، تواضع، خوف، تقوا، اخلاص، شکر، توکل، رضا، یقین، ذکر، انس، قرب، اتصال، محبت، تجرید، تفرید، وجد، و توحید در چند باب آمده است. (شرح التعرف لمذهب التصوف، فهرست ربع سوم و چهارم)

ترجمه رساله‌ی قشیریّه (قرن ششم هجری)، کتاب به ۵۵ باب تقسیم شده است که موضوع ۵۰ باب، احوال و مقامات صوفیه است. (ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریّه، فهرست کتاب) باب‌هایی که به احوال و مقامات اختصاص داده شده است، از هم تفکیک نشده‌اند.

آداب المریدین (قرن ششم هجری): در یک مقدمه و ۲۷ فصل است. دو فصل از آن به احوال و مقامات اختصاص دارد: فصل فی ذکر مقامات الصوفیه (توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، رضا، اخلاص، توکل)؛ فصل فی ذکر احوال الصوفیه (مراقبه، قرب، محبت، رجا، خوف، حیا، شوق، انس، طمأنینه، یقین، مشاهده). (آداب المریدین، فهرست کتاب)

التصفیه فی احوال المتصوفه (قرن ششم هجری): چهار رکن است: مقامات را در رکن اول (اعمال مبتدیان) و احوال را در رکن سوم (اعمال منتهیان) و اخلاق را در رکن چهارم (الفاظ و اصطلاحات) مطرح کرده است. (التصفیه فی احوال المتصوفه، فهرست کتاب)

گزیده در اخلاق و تصوف (قرن ششم هجری): ۴۵ باب است که موضوع ۲۵ باب از آن مقامات، احوال و اخلاق است. (گزیده در اخلاق و تصوف، فهرست کتاب)

ارشاد (قرن ششم هجری): در ۳۲ فصل تألیف شده است که موضوع ۲۰ فصل آن احوال و مقامات و اخلاق صوفیان است. (ارشاد، فهرست کتاب)

مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه (قرن هشتم هجری): در ده باب است که هر باب به چند فصل تقسیم شده است. باب هشتم: اخلاق؛ باب نهم: مقامات در ده فصل (توبت، ورع، زهد، فقر، صبر، شکر، خوف، رجا، توکل، رضا) و باب دهم: احوال و و ختم کتاب در ده فصل (محبت، شوق، غیرت، قرب، حیا، انس و هیبت، قبض و بسط، فنا و بقاء، اتصال، خاتمیت و وصیت). (مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، فهرست کتاب)

معرفی مؤلف منهاج الطالبین

مؤلف در دیباچه نام خود را محمود بن محمد بن عبدالسلام الخوافی نگاشته است و در ادامه هیچ اشاره‌ای به سرگذشت، اجداد، استادان، محل زندگی و تحصیل، فرزندان، مریدان، طریقت و روش عرفانی خود نکرده است. از آنجایی که سال تألیف کتاب، ۸۲۵ هجری بوده است، میتوان دوران زندگی وی را نیمه دوم قرن هشتم و نیمه اول قرن نهم هجری حدس زد. بر این اساس، نگارنده در جستجوی شرح حال مؤلف، بسیاری از تذکره‌های ادبی

و عرفانی و منابع تاریخی و رجال و انساب آن دوره که در خراسان، ماوراءالنهر و عثمانی تألیف شده‌اند، را مورد بررسی قرار داد که آثاری همچون *نفحات الانس من حضرات القدس، مجالس النفايس، الشقائق النعمانية فی علماء الدولة العثمانیه، مجمل فصیحی، الضوء اللامع، نسمة القدس من حقایق الانس، ثمرات القدس من شجرات الانس، مذكر احباب، روضات الجنات فی اوصاف مدینه الهرات، رشحات عین الحیات، تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی، زبدة التواریخ حافظ ابرو، بدایع الوقایع، تاریخ مطلع سعدین و مجمع بحرین، تاریخ روضه الصفا، تاریخ حبیب السیر، رساله مزارات هرات، ملفوظات زین الدین محمود قواس، فرائد غیائی، منشأ الانشاء، منشآت اسفزاری، تذکره تحفه سامی، نامه‌های خواجه عبیدالله احرار و ... از آن جمله هستند.*

در نتیجه‌ی این پژوهش‌ها به وجود چند شخصیت با نام محمود که اهل خواف بوده‌اند پی می‌بریم، از جمله: رکن - الدین محمود خوافی مشهور به شاه سنجان (درگذشته ۵۹۹ هجری)، رکن الدین محمود بن فصیح خوافی (متولد ۸۱۸ هجری)، زین الدین محمود قواس بهداندی خوافی (درگذشته ۹۶۷ هجری) که از لحاظ تاریخی هیچکدام نمیتوانند مؤلف *منهاج الطالبین* باشند.

در *ملفوظات زین الدین محمود قواس* از عارفی خوافی به نام سلطان شیخ محمود مابژنابادی یاد شده که در مابژناباد خواف مدفون است و شهاب کشتی‌گیر - که از مریدان شیخ زین الدین خوافی بوده است - نزدیکی مزار او خانقاهی احداث کرده است. (نوشاهی، ۱۳۸۶، صص ۴۰۱-۴۰۰) با توجه به اینکه محمود مابژنابادی در حیات شیخ زین الدین خوافی (قبل از ۸۳۸ هجری) از دنیا رفته است و هیچ اطلاعات دیگری درباره وی نداریم، نمیتوان با اطمینان کامل او را مؤلف *منهاج الطالبین* دانست.

شاه محمود - پدر شاه طیب خوافی - که هر دو از ارادتمندان شیخ زین الدین خوافی بوده‌اند، (همان، ص ۴۵۲) نیز نمی‌تواند مؤلف *منهاج الطالبین* باشد، زیرا اگر اینگونه بود، همچون دیگر مریدان، از سخنان و آثار مرشد خود و سایر منابع طریقت زینیه در اثر خود بهره می‌برد.

علاوه بر موارد فوق، در نامه‌های خواجه احرار و وابستگان وی از شخصیتی به نام مولانا محمود خوافی پسر مولانا زین الدین - ساکن خانقاه خواجه عبدالله انصاری در هرات - یاد میشود. (Urunbaev, 2002, p.302) اگر وی را پسر ابوبکر بن محمد بن محمد بن علی خوافی مشهور به زین الدین خوافی بدانیم، نمی‌تواند مؤلف *منهاج الطالبین* باشد، زیرا نام پدر، پدر بزرگ و جد او با نام مؤلف *منهاج الطالبین* همخوانی ندارد.

در زمان تألیف *منهاج الطالبین* اکثر صوفیان به یکی از طریقت‌های نقشبندیه، سهروردیه، کبرویه و ... وابسته بودند و در آثار خویش به ترویج اندیشه‌های آنها می‌پرداختند، اما چون در *منهاج الطالبین* هیچ نشانه و اثری از معارف این طریقت‌ها یافت نمیشود و همچنین هیچ اشاره‌ای به مکتب وحدت وجود و اندیشه‌های محیی الدین ابن عربی نشده است، نمیتوان درباره طریقت و مشرب عرفانی مؤلف نظر دقیقی ارائه کرد. نزدیکترین شخصیت‌های عرفانی به زمان مؤلف که از آثار آنها بهره جسته است، مجد خوافی، میر حسینی سادات هروی (د: ۷۱۸ ه) و شیخ محمود شبستری (د: ۷۲۰ ه) هستند.

از آنجایی که مؤلف *منهاج الطالبین* باب اول کتاب را به بیان اعتقاد اهل سنت و جماعت اختصاص داده و در آنجا برخی احکام فقهی را به شیوه اهل سنت بیان میکند و بعد از رسول، خلیفه‌ی به حق را ابوبکر و باز عمر و باز عثمان و باز علی میداند (منهاج الطالبین، باب اول) میتوان گفت که وی بر مذهب اهل سنت بوده است.

معرفی منهاج الطالبین

منهاج الطالبین همانطور که از نام آن مشخص است، کتابی است دربردارنده مجموعه مطالب و معارف اخلاقی و صوفیانه که می‌تواند چراغ راه و روشن‌کننده مسیر طالبان و روندگان به‌سوی حق باشد. بر اساس جستجوهای انجام شده در منابع قدیم و جدید کتابشناسی، گویا در میان آثار فارسی، کتاب دیگری با این عنوان نداریم، اما در زبان عربی، حاجی خلیفه چلبی در کشف الظنون از کتابی فقهی با عنوان منهاج الطالبین تألیف محیی الدین ابی زکریا بن شرف النووی (د: ۶۷۶هـ) نام برده است. (چلبی، ۱۹۴۳، ج ۲: ۱۸۷۳)

همانطور که مؤلف در دیباچه اشاره کرده است، مطالب منهاج الطالبین را از کتابهای مشایخ قبل از خود گردآوری کرده و در سال ۸۲۵ هجری به پایان رسانده است. (منهاج الطالبین، دیباچه) در ساختار و مطالب کتاب شباهتهای زیادی به تألیفات صوفیانه قبل از وی دیده میشود که در ادامه و در بخشی از مقاله به بررسی جزئیات آن و مقایسه متن منهاج الطالبین با برخی منابع مؤلف خواهیم پرداخت.

منهاج الطالبین در یک دیباچه مختصر و سی و هشت باب تنظیم شده است. مؤلف پس از دیباچه، فهرست بابهای کتاب را اینگونه نگاشته است:

باب اول: در اعتقاد اهل سنت و جماعت؛ باب دوم: در توبه [ی] تائبان؛ باب سیّم: در مجاهده؛ باب چهارم: در مخالفت نفس؛ باب پنجم: در ذکر؛ باب ششم: در خلوت و عزلت؛ باب هفتم: در زهد و ورع؛ باب هشتم: در خاموشی؛ باب نهم: در خوف؛ باب دهم: در رجا؛ باب یازدهم: در صبر صابران؛ باب دوازدهم: در قناعت؛ باب سیزدهم: در توکل؛ باب چهاردهم: در مراقبه؛ باب پانزدهم: در شکر؛ باب شانزدهم: در رضا؛ باب هفدهم: در اخلاص؛ باب هجدهم: در حیا؛ باب نوزدهم: در فتوت؛ باب بیستم: در تصوّف؛ باب بیست و یکم: در فقر؛ باب بیست و دوم: در توحید؛ باب بیست و سیّم: در محبت و شوق؛ باب بیست و چهارم: در عشق؛ باب بیست و پنجم: در تجرید؛ باب بیست و ششم: در جود و سخا؛ باب بیست و هفتم: در خُلق و حِلْم؛ باب بیست و هشتم: در شفقت و مرحمت؛ باب بیست و نهم: در ریا؛ باب سیّام: در عَجَب و کِبَر؛ باب سی و یکم: در بخل و حسد؛ باب سی و دوم: در غیبت و دروغ؛ باب سی و سیّم: در حرص؛ باب سی و چهارم: در معجزات؛ باب سی و پنجم: در ذکر مشایخ؛ باب سی و ششم: در کرامات اولیا؛ باب سی و هفتم: در وصیت مریدان؛ باب سی و هشتم: در حکایات متفرقه. (منهاج الطالبین، دیباچه)

دیباچه مختصر منهاج الطالبین دربردارنده حمد و ستایش خدا، نعت و منقبت پیامبر اکرم(ص)، هدف مؤلف از تألیف کتاب، نام کتاب، تاریخ تألیف و فهرست بابهای کتاب است. پس از آن بابتی را به بیان اعتقاد اهل سنت و جماعت اختصاص داده و در آن موضوعات دینی و اعتقادی چون: ایمان به خدا، معرفت ذات و صفات، ایمان به نبوت، ایمان به عقوبت و پاداش روز جزا، تأکید بر انجام فرایضی چون روزه، نماز، حج، زکات و ... را مطرح کرده است. در ادامه این باب، فصلی را به عقل اختصاص داده و در آن به تعریف عقل و مراتب آن از دیدگاه صوفیه و رد شناخت خداوند به وسیله عقل پرداخته است. بابهای دوم تا سی و سوم، موضوع آنها احوال، مقامات و اخلاق صوفیه است، و در آنها در آغاز معنای لغوی و اصطلاحی آن مقام، حال و ... مطرح شده، سپس به نقل آیات قرآن، احادیث نبوی، سخنان، حکایات مشایخ و اشعار عرفانی در آن موضوع پرداخته شده است. بابهای سی و چهارم تا سی و هشتم که عناوین آنها معجزات، ذکر مشایخ، کرامات اولیا، وصیت مریدان و حکایات متفرقه است، در مقایسه با بابهای دیگر کتاب، بسیار کوتاه و مختصر هستند، گویا مؤلف از آوردن آنها تنها رعایت شباهت ساختار کتاب به کتابها و منابع وی مانند ترجمه رساله قشیریه را دنبال کرده است.

مشخصات نسخه خطی

از کتاب *منهاج الطالبین* تألیف محمود خوافی تنها یک نسخه خطی یافت شده است. و با وجود جستجوهای فراوان نگارنده در دهه‌ها فهرست چاپی و آنلاین از نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ایران، ترکیه، هندوستان، پاکستان، ازبکستان، تاجیکستان، مصر، عربستان، اروپا و آمریکا، نسخه‌ای دیگر یافت نشد.

تنها نسخه *منهاج الطالبین* در کتابخانه ایاصوفیا (امروزه بخشی از کتابخانه سلیمانیة استانبول)، به شماره ۲۱۱۳ نگه‌داری می‌شود. با وجود اینکه مؤلف در دیباچه، عنوان اثر را «*منهاج الطالبین*» مینگارد، در هر دو فهرست چاپی قدیمی و جدید از نسخه‌های کتابخانه ایاصوفیا و نیز وبگاه مؤسسه‌ی نسخ خطی ترکیه (*Türkiye Yazma Eserler Kurumu Başkanlığı*) به نادرستی «*منهاج الطالبین فی السلوک*» ثبت شده است. (دفتر کتبخانه ایاصوفیه، ۱۳۰۴، ص ۲۶؛ حسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۸)

ویژگیهای نسخه‌شناسی تنها نسخه‌ی *منهاج الطالبین* به شرح زیر است:

خط: نسخ و نستعلیق؛ تاریخ کتابت: محتمل سده‌ی ۱۰-۱۱ هجری؛ یادداشت وقف سلطان محمود عثمانی «قد وقف هذه النسخة الجليلة...»؛ با مهر سلطان محمود و احمد شیخ‌زاده؛ آرایه‌ها: سرلوح، عبارات عربی به نسخ، مجدول به زر، فهرست ابواب و عناوین به شنگرف و لاجورد و زر؛ ۹۲ برگ، ۱۷ سطر؛ ابعاد اوراق: ۱۱۴*۲۱۵؛ ابعاد متن: ۱۵۵*۷۳. (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۹) حاشیه صفحات فاقد یادداشت و توضیحات؛ فاقد رکابه. چون نسخه بالا تنها نسخه در دسترس و کامل و خوانا است، به عنوان نسخه اساس تعیین شد و مبنای کار قرار گرفت.

رسم الخط و ویژگیهای خطی نسخه منهاج الطالبین

برخی از ویژگیهای رسم الخطی نسخه موجود به شرح زیر است:

۱. چهار حرف «گ، چ، پ، ژ» در برخی موارد به صورت «ک، ج، ب، ز» و در مواردی هم به صورت «گ، چ، پ، ژ» کتابت شده‌اند.
۲. حروف اضافه به طور معمول به صورت پیوسته کتابت شده‌اند، مانند: درو، درین، برین.
۳. گاه از «ه» به جای «ة» استفاده شده است، مانند: «خزینه» به جای «خزینة».
۴. استفاده از «ة» به جای «ت» در متن نسخه دیده نشد.
۵. استعمال «بدو» در متن دیده می‌شود، مانند: بدو نگرست.
۶. از علامت تشدید کمتر استفاده شده است. برای مثال واژه‌ی «حبه» که در یک صفحه سه بار تکرار شده است، تنها یک مورد آن تشدید دارد.
۷. در همه موارد به جای ضمیر مالکیت «شان» از «ایشان» استفاده شده است. مانند: «دل ایشان» به جای «دل‌شان».
۸. پسوندهای «تر» و «ترین» (تفضیلی و عالی) به شکل پیوسته کتابت شده‌اند، مانند: نزدیکتر، کمترین.
۹. پیشوندهای فعلی «می» و «نمی» به دو حالت منفصل و متصل ضبط شده‌اند، مانند: می‌میزد، می‌مالید.
۱۰. پیوسته نویسی حرف اضافه‌ی «به»، مانند: بطریق، بتظلم، بشما، بمراقبه.
۱۱. موردی دیده نشد که «آن» به اسم پس از خود چسبیده باشد.
۱۲. گاهی گروه‌های حرف اضافه و ربط تخفیف داده شده‌اند، مانند: «ازین» به جای «از این»، «درینجا» به جای «در اینجا».

۱۳. خطای کتابتی در نسخه دیده نشد.
۱۴. به‌طور تقریبی بالای نود درصد از واژگان نقطه‌دار، نقطه‌گذاری آنها به‌طور کامل رعایت شده است.
۱۵. در صورت جمع بستن واژگان با علامت جمع فارسی «ها» به صورت متصل نوشته شده‌اند و در کلماتِ مختوم به «ه» غیر ملفوظ «ه» حذف شده است، مانند: وقتها، حالا، کردها.
۱۶. بعد از مصوت بلند، کسره اضافه حذف شده است، مانند: «نعمتها من» به جای «نعمت‌های من»
۱۷. در کلماتِ مختوم به مصوت بلند، میانجی «ئ» حذف شده است، مانند: «مبتلای» به جای «مبتلایی»
۱۸. پسوند یگانه‌ساز «ای» به شکل «ء» کتابت شده است، مانند: «آبگینه» به جای «آبگینه‌ای»
۱۹. کتابت فعل ربطی «است» به دو شکل منفصل و متصل، مانند: صفاست، منزلست، حلال است.
۲۰. کتابتِ منفصل بعضی از لغات مانند: خُم‌خانه.
۲۱. «ء» گاهی در برخی واژگان حذف شده است مانند: «قرات» به جای «قرائت»

آغاز و انجام منهاج الطالبین

آغاز: سپاس و ستایش مر خداوندی را جلّ و علا که غبارِ نقصِ عدم بر دامنِ کمال کبرپایش ننشیند ... **اما بعد:** این رساله است در معرفتِ سلوکِ سالکان و روندگانِ راهِ ایقان ... و جمع‌کننده این رساله محمود بن محمد بن عبدالسلام/خوافی ... چون این رساله جمع کرده شد از کتبِ مشایخ - رضوان الله علیهم اجمعین - در سنهٔ خمس و عِشرین و ثمانمائه نام کرده شد منهاج الطالبین ... (منهاج الطالبین، دیباچه)

انجام: ... چون نزدیکِ او رفتم تا دست بر روی او نهادم، از هیبتِ نامِ الله جان داده بود؛
گر تو گویی وفا همی جویم وز دل و جان همیشه با اویم
این همه جهدها که می‌کنی گر نخواهد ترا چه می‌بکنی
والله اعلم و اتمّ. (منهاج الطالبین، خاتمه)

منابع استفاده شده در نگارش منهاج الطالبین

محمودِ خوافی در تألیف منهاج الطالبین از تعداد زیادی از کتابهای عرفانی منظوم و منثور قبل از خویش، بهره برده است. وی تنها از کتابِ شعار الصالحین که اثری ناشناخته و گمشده است، در ذکر حکایتی از ابوسعده خرگوشی نام برده است و سایر منابع، بر اساس پژوهشهای نگارنده تشخیص داده شد.

اکثر اشعار، سخنان و حکایاتِ مشایخ در منهاج الطالبین با اندکی تفاوت از منابع زیر نقل شده است:
قرن چهارم هجری: اللمع فی التصوف (ابونصر سرآج طوسی)، کتاب تعریف (ابوبکر کلابادی)، تذهیب الاسرار (ابوسعده خرگوشی)

قرن پنجم هجری: شرح تعریف (مستملی بخاری)، کشف المحجوب (هجویری)، کیمیای سعادت (محمد غزالی)، سوانح العشاق (احمد غزالی)، بستان العارفین و تحفه المریدین.

قرن ششم هجری: ترجمه رساله قشیریه (ابوعلی حسن بن احمد عثمانی)، ارشاد (عبدالله بن محمد قلاسی نَسفی)، روضه المذنبین (احمد جام)، انس التائبین (احمد جام)، مرتع الصالحین و زاد السالکین (ابومنصور

اوزجندی)، گزیده در اخلاق و تصوف (ابونصر خانقاهی)، تذکره الاولیا (عطار نیشابوری)، حقیقه الحقیقه و شریعه الطریقه (سنایی)، کشف الاسرار و عمده الابرار (میبدی)، هزار حکایت صوفیان. **قرن هفتم هجری:** مرصاد العباد (نجم الدین رازی)، حقیقه الحقیقه (قطب الدین محمد بن مطهر بن احمد جام)، لمعات (فخرالدین عراقی) **قرن هشتم هجری:** گلشن راز (شیخ محمود شبستری)، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه (عزالدین محمود کاشانی)، کنز الرموز (میر حسینی هروی)، روضه خلد (مجد خوافی)، پنج گنج (عماد فقیه کرمانی)، مناهج الطالبین و مسالك الصادقین (سید محمد بخاری)

سبک‌شناسی مناهج الطالبین

عرفانی بودن محتوای مناهج الطالبین آشکار است. عمده این اثر تألیف و گردآوری است و تحلیل و تفسیر و ارائه دیدگاه مؤلف در آن دیده نمی‌شود. نثر مناهج الطالبین در پاره‌ای از موارد، مصنوع و متكلفانه است اما در اکثر موارد تمایل به سادگی و آراستگی دارد و کمتر از صنایع ادبی بهره‌گیری شده است. در این اثر ترکیبی از مطالب و نقل‌قول‌های عرفانی نه چندان پیچیده همراه با اشعار نمادین، حکایات عرفانی، آیات، احادیث و روایات در کنار هم جای گرفته است. از آنجایی که جنبه فکری و محتوایی مناهج الطالبین نسبت به جنبه‌های ادبی و زبانی بیشتر درخور توجه است، در ادامه به بررسی بیشتر آن می‌پردازیم.

جنبه فکری و محتوایی مناهج الطالبین

در این اثر به بیان احوال، اخلاق و مقامات صوفیان پرداخته شده است و شرح و تحلیل مفاهیم پیچیده و عمیق عرفانی دیده نمی‌شود. مؤلف برای درک بهتر خواننده، از تمثیل مفاهیم و از حکایات و روایات و سخنان مشایخ تصوف بهره جسته است. وی بیشتر مقلد و راوی اشعار، حکایات و اخبار مشایخ بوده است. در شرح پاره‌ای از مسائل، کمتر از طرح سؤال و جواب بهره‌گیری کرده است و بیشتر از واژه‌هایی مانند «بدان» و «بدان‌که» در آغاز کلام خود بهره برده است و از این طریق جلب توجه و دقت نظر مخاطب را هدف قرار داده است و از سویی برای خود دانش و آگاهی بیشتری نسبت به مخاطب قائل شده است.

بی‌توجهی مؤلف به آثار و مکتب‌های عرفانی عصر خویش

بر خلاف سایر تألیفات عرفانی عصر مؤلف، آراء و نظریات عارفان و مشایخ هم عصر مؤلف که از اواخر قرن هشتم تا زمان تألیف اثر (۸۲۵ق.) صاحب آثار عرفانی بوده‌اند، دیده نمی‌شود. و هیچ ردپایی از آثار و سخنان بزرگانی چون زین الدین خوافی، قاسم انوار، مولانا یعقوب چرخ، ابن ترکه و ... که آثار آنها در آن دوره در خراسان و ماوراءالنهر مورد توجه بوده است، دیده نمی‌شود. اکثر آثار عرفانی آن دوره به یکی از مکاتب عرفانی نسبت داشته است اما مناهج الطالبین از این قاعده مستثنی بوده است و هیچ نشانه‌ای از عقاید و گفتار مکتب‌ها و طریقت‌های مشهور عصر مؤلف چون سهروردیه، نقشبندیه و ... در آن دیده نمی‌شود. و مؤلف تنها با تقلید از آثار گذشتگان به تألیف اثر خویش پرداخته و نسبت به آثار عصر خویش توجهی نداشته است.

تقلید از آثار عرفانی گذشته

در شکل‌گیری محتوای منهاج الطالبین شماری از آثار عرفانی مهم نقش داشته‌اند و مؤلف در نقل سخنان و حکایات صوفیه بیشتر تحت تأثیر آثاری همچون ترجمه فارسی رساله قشیریه، شرح تعرف، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، گلشن راز و روضه خلد مجد خوافی و ... بوده است و اقتباس و تقلید وی از این آثار کاملاً مشهود است. خوافی گاه روایاتی مشابه - با شباهتی بیش از ۹۰ درصد- از این آثار نقل کرده است. حکایات و روایات داستانی که از این آثار نقل نموده است، از لحاظ لفظ و ساختار کلمات شباهت فراوانی به اصل آن دارند. منهاج الطالبین از نگاه تنظیم و تبویب و چینش فصول شباهت زیادی به ترجمه رساله قشیریه دارد. خوافی در نظم و نثر مقلدی زبردست بوده است تا جایی که حتی مصالح کلامش را از دیگران وام گرفته است. برای مثال در ذکر احوال مشایخ با اندکی تفاوت آنچه را که در ترجمه رساله قشیریه آمده بدون هرگونه نوآوری درج کرده است. وی در بحث حکایات تا حد زیادی از روضه خلد مجد خوافی بهره جسته است تا جایی که اکثر حکایات باب سی و یکم منهاج الطالبین با اندکی دخل و تصرف از روضه خلد نقل شده است. در ادامه برای درک بیشتر این اقتباسات و تشابهات نمونه‌هایی ذکر شده است:

ترجمه رساله قشیریه: انس مالک گوید: از پیغمبر -صلی الله علیه و سلم- شنیدم که گفت: تائب از گناه همچنان بود کی گناه نکرده‌ست و چون خدای بنده را دوست دارد، گناهش زیان ندارد، پس این آیه بخواند که: «ان الله يحب المتطهرين». (ترجمه رساله قشیریه، باب چهارم)

منهاج الطالبین: انس بن مالک روایت کند از رسول که: تائب از گناه همچنان بود که گناه نکرده باشد؛ چون گناه کند خدای بیامرزد چنانکه در کلام خود یاد کرده که: «ان الله يحب التوابين و يحب المتطهرين». (منهاج الطالبین، باب دوم)

ترجمه رساله قشیریه: ابو عثمان مغربی راست کی هرکه پندارد که این در بر وی بازکشایند و هیچ چیز یابد از حقیقت مگر به مجاهده، اندر غلط است. (ترجمه رساله قشیریه، باب پنجم)

منهاج الطالبین: ابوعثمان گوید هرکه پندارد که این در بر روی بکشایند و چیزی یابد از حقیقت بی مجاهده، غلط عظیم است. (منهاج الطالبین، باب سوم)

ترجمه رساله قشیریه: ابو عمرو دمشقی گوید: خائف آن بود که از نفس خویش بیش از آن ترسد که از شیطان. (ترجمه رساله قشیریه، باب یازدهم)

منهاج الطالبین: ابو عمرو گوید: خائف آن بود که از نفس خود بترسد. (منهاج الطالبین، باب نهم)

شرح تعرف: و پیغمبر -علیه السلام- گفته است: «الصبر عند الصدمة الاولى» و صدمت پیشانی به پیشانی باز زدن باشد، یعنی چون بلا به روی تو باز آید صابری آن باشد که به اول دفعه نناهی... (شرح التعرف لمذهب التصوف، الباب التاسع والعشرون)

منهاج الطالبین: ابوهیریه روایت کند که پیغمبر -صلی الله علیه و سلم- گفت: «الصبر عند الصدمة الاولى»؛ در اول به کار آید. (منهاج الطالبین، باب یازدهم)

مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه: ذوالنون -رحمه الله- گفته است: «الحیاء وجود الهیة فی القلب مع حشمة ما سبق منک الی ربک». (مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، فصل پنجم)

منهاج الطالبین: ذوالنون گوید: شرم، یافتن هیبت بود در دل با وحشت آنچه از تو رفته بود ز ناکردنی‌ها. (منهاج الطالبین، باب هجدهم)

روضة خلد: قال النبی - علیه السلام - : «انّ الجنّة حرام علی البخلاء»

نه‌بینم جای ایشان جز جهنم بخیلان را ز اهل دین نخوانی
 «و لم یک نطعم المسکین» (روضة خلد، باب چهاردهم)
منهاج الطالبین: چنانکه حضرت مصطفی - علیه السلام - فرمودند که: «انّ الجنّة حرام علی البخلاء»
 تو گر از اهل دینی ای جوانمرد بخیلان را ز اهل دین نخوانی
 نه‌بینم جای ایشان جز جهنم «و لم یک نطعم المسکین» نخوانی (خوافی، باب سی و یکم)

نگرش به مسئله وجد و سماع

مؤلف باب خاصی را به این مسئله اختصاص نداده است و حتی به ارائه دیدگاه دربارهٔ وجد و سماع که از مسائل مورد توجه عارفان بوده است و پیوسته عده‌ای طرفدار و مخالف داشته است، نپرداخته است. وی تنها در دو حکایت به غلبات وجد بایزید بسطامی و ذوالنون مصری اشاره می‌کند و در حکایتی از سماع یاد می‌کند که بیشتر در اینجا سماع به مفهوم شنیدن آیات قرآن و تحت تأثیر آن قرار گرفتن، است: نقلست که مریدی از بایزید بسطامی پرسیدند که ای شیخ از برکت که بود این درجه تو را؟ گفت: روزی در غلبات وجد بودم و می‌رفتم ناگاه پیرزنی به من رسید... (منهاج الطالبین، باب هفدهم)
 ذوالنون در غلبات وجد فرو شد... (منهاج الطالبین، باب بیست و سوم)

مردی پارسا همسایه او بود. یک شب خدای را عبادت کرد و قرآن می‌خواند بدین آیت رسید که: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلِیْکُمْ نَاراً»، این آیت به گوش دختر رسید، مطربان را گفت که بگذارید که آوازی میشنوم که مرا از آن و از صحبت شما باز میدارد. ایشان فراداشتند. دختر نیکو در سماع جدّ فرمود و پارسا بار دیگر این آیت خواند که: «وَقُوْذَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ»، دختر مقنعه از سر بینداخت و جامه بر تن پاره کرد و... (منهاج الطالبین، باب چهارم)

نگرش به مسئله عشق در عرفان

باب بیست و چهارم از منهاج الطالبین را به موضوع عشق اختصاص داده است. اما کوتاه و مختصر به آن پرداخته است. در ابتدا حدیث مشهور «من عشق ففهم فمات فهو شهید» را نقل کرده است و بر این اساس عشق مجازی را سرآغاز عشق حقیقی دانسته است. در ادامه به نقل اشعار و چند حکایت دربارهٔ عشق محمود و ایاز و عشق ذوالنون مصری پرداخته است.

نگرش به وحدت وجود و وحدت شهود

با توجه به اینکه مبحث وحدت وجود و وحدت شهود از مباحث داغ عرفانی قرن نهم هجری بوده است و تقریباً از این نقطه نظر، آثار عرفانی به دو دسته تقسیم شده‌اند، در این اثر هیچ اشاره‌ای به این مسئله نشده است و باب خاصی به آن اختصاص داده نشده است همچنین ردپایی از آرا و دیدگاه وحدت وجودیان مثل ابن عربی و پیروان وی دیده نمی‌شود.

مباحث خداشناسی، تصوف و عرفان

اکثر مضامین منهاج الطالبین را خداشناسی، سلوک الی الله، احوال و مقامات صوفیان، و علم اخلاق در بر می‌گیرد. نویسندگان چندین بررسی و کاوش ژرفی در احوال و مقامات صوفیان مثل: توحید، توبه، مجاهده، ذکر، ورع، عشق، خوف، رجا، مراقبه، فقر، محبت، شوق، توکل و... و مسائل اخلاقی مثل: حلم، حیا، ریا، کبر، حسد، غیبت، دروغ و

... نداشته است و پس از توضیحی کوتاه درباره‌ی آنها به نقلِ روایات، احادیث، اشعار، سخنان و حکایات مشایخ در آن موضوع پرداخته و از خود تحلیلی ارائه نداده است. و ساختار هر بابی که به احوال و مقامات صوفیان اختصاص داده است اینگونه است که ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی آن باب را توضیح داده است، سپس در ابتدا به آیات قرآنی در آن موضوع اشاره کرده است و پس از آن به نقل احادیث درباره‌ی آن پرداخته است و در ادامه نظرات و حکایات مشایخ را نقل کرده است. برای مثال در باب مجاهده چنین آورده است:

مجاهده جهاد کردن است با نفس خود و مخالفت او هر که کمر بر مخالفت نفس خود ببندد هر آینه از خدای هدایت یابد، چنانکه در آیه کریمه واقع است که: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا». (منهاج الطالبین، باب سوم)

مضامین غنایی

خوافی در لا به لای منهاج الطالبین به مضامین و افسانه‌های عاشقانه اشاره کرده است به‌ویژه در باب عشق و محبت:

نقلست که مجنون را گفتند: لیلی را دوست می‌داری؟ گفت: نه، زیرا که محبت رام وصل است و راه میان من و لیلی از میان برخاسته. (منهاج الطالبین، باب بیست و سوم)

نقلست که روزی مجنون در مسجدی رفت و نام خود بر دیوار نوشت و نام لیلی بر یک دیوار و هفت شب‌اروز در مسجد بنشست و هیچ نخورد. مردی درآمد و نام مجنون پاک کرد و خواست که نام لیلی نیز پاک کند، مجنون برجست و دست بر دست او نهاد، (گفت:) ای جوانمرد با نام ما جفا کردی با نام دوست ما جفا مکن که هفت روز است که بر نام دوست خود می‌نگرم نه از طعام یاد آرم و نه از شراب. (همان)

نقد رویکردهای ظاهری و نقد سایر عقاید

در منهاج الطالبین بیان نقادانه و نقدِ اهل ظاهر و مخالفین تصوف و سایر فرقه‌ها و گروه‌ها و تفسیرهای کلامی و ظاهری که در سایر آثار تصوف مرسوم است، بسیار به ندرت دیده میشود، به‌جز یک مورد: رد معتزله در مسئله‌ی شناخت خداوند به‌وسیله‌ی عقل:

آن کس که گوید که خدا به عقل توان شناخت، آن کس میان عقل و علم تمیز نمی‌تواند کرد و این کلام معتزلی باشد که هرچه خدای بر بندگان فریضه کرده به عقل کرده و اهل سنت و جماعت گویند که هر چه خدای بر بندگان خود فرض کرده به شرع کرده است. (منهاج الطالبین، باب اول)

استفاده از ارجاعات فلسفی و کلامی

در این اثر ارجاعی به قول فلاسفه، کلامی‌ها و آثار آن‌ها کمتر دیده میشود. تنها در باب اول از اصطلاحات فلسفی مانند غرض و جوهر در مسئله‌ی معرفت خداوند استفاده شده است:

و وی در مکان نیست و از مکان نیست و در جهت نه و جوهر نیست و غرض نیست. (منهاج الطالبین، باب اول)

نگرش به ذات و صفات خداوند

در آثار عرفانی یکی از مسائل مهم اینست که عده‌ای چون ابن عربی و پیروان وی صفات را عین ذات دانسته‌اند و عده‌ای صفات را جدا از ذات دانسته‌اند. صاحب منهاج الطالبین صفات را عین ذات نمیداند و در باب اول چنین آورده است:

صفات وی عین ذات وی نیست... (منهاج الطالبین، باب اول)

نگرش به مرگ

در *منهاج الطالبین* مانند سایر آثار تصوف نگرش به مرگ نگرشی به معنای پایان تلخ و غم‌انگیز زندگی نیست: از همه رنج‌های دنیا هیچ چیز سخت‌تر از مرگ نیست و از همه چیزها هیچ چیز سبک‌تر از مرگ نیست. (همان، باب یازدهم)

ابو عثمان گوید: علامت شوق، دوستی مرگ بود. (همان، باب بیست و سوم)

همچنین در حکایتی اشاره به خوف عارفان از مرگ دارد:

نقلست که بایزید بسطامی در حالت نزع زار زار بگریست. مریدان گفتند: یا شیخ! چو تو مردی در این حالت از صوبت مرگ چه باشد تو را؟ گفت: مرگ حق بود؛ از خوف مرگ گریم، اما در این میان سه خطر مانده؛ نمیدانم که آن سه خطر چون شد. یکی آن که گناهان بسیار دارم ندانم تا پذیرد؟! و نمیدانم که مرا قبول کند؟! این بگفت و جان بداد. (همان، باب نهم)

نتیجه‌گیری

تحلیل محتوای *منهاج الطالبین* نشان داد که مؤلف در تألیف اثر خود، مقلد و راوی مطالب برخی از کتابهای کهن تصوف مانند: ترجمه رساله قشیریه، شرح تعرف، مصباح الهدایه و... بوده است و مطالب این کتاب‌ها را با تغییر اندکی، به زبان و سبک نگارش قرن نهم هجری منتقل کرده است. اقتباس و تقلید مؤلف از این آثار کاملاً مشهود است و گاه روایاتی مشابه - با شباهتی بیش از ۹۰ درصد- از این آثار نقل کرده است که از لحاظ لفظ و ساختار کلمات شباهت فراوانی به اصل آن دارند. بر خلاف سایر تألیفات عرفانی عصر مؤلف، آراء و نظریات عارفان و مشایخ هم‌عصر مؤلف در *منهاج الطالبین* دیده نمی‌شود. و هیچ ردپایی از آثار و سخنان بزرگان عرفان آن دوره وجود ندارد. اکثر آثار عرفانی آن دوره به یکی از مکاتب عرفانی نسبت داشته است اما *منهاج الطالبین* از این قاعده مستثنی بوده است و هیچ نشانه‌ای از عقاید و گفتار مکتب‌ها و طریقت‌های مشهور عصر مؤلف دیده نمی‌شود. و مؤلف تنها با تقلید از آثار گذشتگان به تألیف اثر خویش پرداخته است. با توجه به این ویژگی استثنایی *منهاج الطالبین* و اینکه هیچگونه پژوهشی تا کنون بر روی این اثر صورت نگرفته و پژوهشگران متون ادبی و عرفانی دهه‌های آغازین قرن نهم هجری از وجود چنین اثری بی اطلاع هستند، این پژوهش گامی مؤثر در مسیر شناخت این اثر و جایگاه آن در تاریخ ادبیات عرفانی محسوب می‌شود. از این رو، تصحیح آن توسط نگارنده این مقاله در دست انجام است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال استخراج شده است. آقای دکتر غلامرضا امیرخانی راهنمایی رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مقاله و نویسنده مسئول بوده‌اند. آقای دکتر بهرام پروین گنابادی و آقای دکتر فرهاد طهماسبی بعنوان مشاور و دانشجو سرکار خانم رویا گل احمدی پژوهشگران این مقاله درگردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از مدیر گروه رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال و اعضای هیأت تحریریه نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام مینمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را برعهده میگیرند.

REFERENCES

- Abbadi, Qutbuddin Abulmuzaffar Mansur ibn Ardeshtir. (1347). *Al tasfiye fi Ahwal al Mutasawwefe*. Edited by Dr. Gholamhosein Yousefi. Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran, pp. 5-7
- Chalabi, Haji Khalifa. (1943). *Kashf ul zunun Fi Asami Al kotob va al Funun*. Istanbul. P.1873
- Daftar-I Kutubkhane Ayasofye*, (1304 A.H). Istanbul: Mahmudbek Matbae si, p.26
- Hossaini. Seyed Muhammad Taqi. (1390). *Catalog of Manuscripts of Ayasofya Library(Istanbul)*. Tehran: Majlis Library, PP. 168-169
- Kashani, Ezzuddin Mahmud. (1372). *Misbah ul Hidaya va Miftah ul Kifaya*. Edited by Jalaluddin Homaei. 4th Ed. Tehran: Homa Publication, pp. 11-13, 420
- Khafi, Mahmud ibn muhammad in Abdul Salam. (825 A.H). *Minhaj ut talibin*. Manuscript of Ayasofya Library. No 2113
- Khanqahi, Abu Nasr Tahir ibn Muhammad. (1374). *Gozide dar Akhlaq v tasavvuf*. Edited by Iraj Afshar, 2nd Ed. Tehran: Elmi Farhangi publication, pp.8-9
- Kolabadi, Abubakr Muhammad. (1371). *Original Text and persian Translate of Kitab-e Taarruf*. By Dr. Muhammad Jawad Shariat. Tehran: Asatir, p.86
- Majd-e Khafi. (1345). *Rawzay-e Khuld*. Edited by Mahmud Farrukh. Tehran: Zawwar bookstore, p. 234
- Mayel Heravi, Najib. (1383). *This old Papers*. Edited by Najib Mayel Herawi. 2nd ed. Tehran: Ney publication, p.475
- Mustameli Bukhari, Abu Ibrahim Ismaeil ibn Muhammad. (1387). *Sharh-e Al tarruf Li Mazhab et tasavvuf*. Edited by Muhammad Rawshan. 3rd ed. Tehran: Asatir, Pp. 1124-1134, 917-918, 1227
- Nafisi, Saeid. (1344). *History Poetry and Prose in Iran and persian Language*, Vol 1. Tehran: Fourughi bookstore, p.226
- Nawshahi, Arif. (1386). *Arif Articles(second cheapter)*. Tehran: Dr. Mahmud Afshar publication, pp.400-401
- Osmani, Abu Ali Hasan ibn Ahmad. (1374). *Persian Translate of Risalaye Qushairiyye*. Edited by Badiuzaman Fouruzanfar. 4th Ed. Tehran: Elmi Farhangi publication, pp.9-11,136-146,191
- Qilanesi Nasafi, Abdullah ibn Muhammad ibn Abibakr. (1385). *Irshad*. Edited by Arif Nawshahi. Tehran: Miras-e Maktoob, pp. 1-4
- Qushairi, Abulqasim Abdul karim ibn Hawazin. (1391). *Al risala tul Qushairiyye*. Edited by Mehdi Muhabbati. Tehran: Hermes publication, pp.5-6

- Sarraj Tusi, Abu Nasr. (1397). *Al luma' Fi tasavvuf*. Edited by R.Nicholson. Translated by Dr. Mehdi Mohabbati. 3rd Ed. Tehran: Asatir, p.97
- Suhrawardi, Ziyauddin Abu Najib. (1392). *Adab ul Muridin*. Translated by Omar ibn Muhammad ibn Ahmad Sheerakan. Edited by Najib Mayel Heravi. 3rd ed. Tehran: Mawla Publication, pp. 9-10
- Unknown author. (1398). *Elm ut Tasavvuf*. Edited by Nasrullah Purjavadi. 3rd Ed. Tehran: Hikmat & Falsafa Institute Publication, pp.12-17
- Urunbaev, Asom & Gross, Jo-Ann. (2002). *The Letters of Khawaja Ubayd Allah Ahrar and his associates*. Leiden: Brill, p.302

فهرست منابع فارسی

- چلبی، حاجی خلیفه. (۱۹۴۳). *کشف‌الظنون فی اسامی الکتب والفنون*. استانبول: بی‌نا، ص ۱۸۷۳
- حسینی، سید محمد تقی. (۱۳۹۰). *فهرست دستنویسهای فارسی کتابخانه ایاصوفیا (استانبول)*. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، صص ۱۶۹-۱۶۸
- خانقاهی، ابونصر طاهر بن محمد. (۱۳۷۴). *گزیده در اخلاق و تصوف*. کوشش ایرج افشار. چاپ دوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، صص هشت و نه
- خوافی، محمود بن محمد بن عبدالسلام. (۸۲۵ق). *منهاج الطالبین*، نسخه خطی کتابخانه ایاصوفیا. شماره‌ی ۲۱۱۳.
- دفتر کتابخانه ایاصوفیه، (۱۳۰۴ق). استانبول: محمود بک مطبعه سی، ص ۲۶
- سراج طوسی، ابونصر. (۱۳۹۷). *اللمع فی التصوف*. تصحیح و تحشیه رینولد آلن نیکلسون. ترجمه دکتر مهدی محبتی. چاپ سوم. تهران: اساطیر، ص ۹۷
- سهروردی، ضیاء الدین ابونجیب. (۱۳۹۲). *آداب‌المیردین*. ترجمه عمر بن محمد بن احمد شیرکان. تصحیح نجیب مایل هروی. چاپ سوم. تهران: نشر مولی، صص ۱۰-۹
- عبادی، قطب الدین ابوالمظفر منصور بن اردشیر. (۱۳۴۷). *التصفیه فی احوال المتصوفه*. به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، صص پنج - هفت
- عثمانی، ابوعلی حسن بن احمد. (۱۳۷۴). *ترجمه رساله قشیریه*. با تصحیحات و استدراکات بدیع الزمان فروزانفر. چاپ چهارم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۱۱-۹، صص ۱۴۶-۱۳۶، ص ۱۹۱
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن. (۱۳۹۱). *الرساله القشیریه*. تصحیح و تطبیق مهدی محبتی. چاپ اول. تهران: نشر هرمس، صص پنج - شش
- قلانسی نسفی، عبدالله بن محمد بن ابی بکر. (۱۳۸۵). *ارشاد*. به تصحیح عارف نوشاهی. چاپ اول. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، صص ۴-۱
- کاشانی، عزالدین محمود. (۱۳۷۲). *مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه*. به تصحیح جلال الدین همایی. چاپ چهارم. تهران: مؤسسه نشر هما، صص ۱۱-۱۳، ص ۴۲۰
- کلابادی، ابوبکر محمد. (۱۳۷۱). *متن و ترجمه کتاب تعرف*. به کوشش دکتر محمد جواد شریعت. چاپ اول. تهران: اساطیر، ص ۸۶

- مایل هروی، نجیب. (۱۳۸۳). *زین‌برگ‌های پیر*. به تصحیح نجیب مایل هروی. چاپ دوم. تهران: نشر نی، ص ۴۷۵
- مجد خوافی، (۱۳۴۵). *روضه‌خلد*. مقدمه و تحقیق از محمود فرخ. تهران: کتابفروشی زوار، ص ۲۳۴
- مستملی بخاری، ابوالبراهیم اسماعیل بن محمد. (۱۳۸۷). *شرح‌التعرف لمذهب التصوف*. با مقدمه و تصحیح و تحشیه محمد روشن. چاپ سوم. تهران: اساطیر، صص ۱۱۳۴-۱۱۲۴، صص ۹۱۸-۹۱۷، ص ۱۲۲۷

- نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری*. جلد اول. تهران: کتابفروشی فروغی، ص ۲۲۶
- نوشاهی، عارف. (۱۳۸۶). *مقالات عارف (دفتر دوم)*. چاپ اول. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، صص ۴۰۱-۴۰۰
- نویسنده‌ای ناشناخته. (۱۳۹۸). *علم/تصوف*. به تصحیح و تحقیق نصرالله پورجوادی و محمد سوری. چاپ سوم. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، صص ۱۷-۱۲

معرفی نویسندگان

رویا گل احمدی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: r.golahmadi@iaui.ac.ir)

(ORCID: 0009-0001-9288-8435)

غلامرضا امیرخانی: عضو هیأت علمی کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران.

(مسئول: نویسنده (Email: head@nlai.ir)

(ORCID: 0000-0002-5969-0670)

بهرام پروین گنابادی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: b.parvin47@iaui.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-6663-5629)

فرهاد طهماسبی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

(Email: farhad.tahmasbi@iaui.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-2380-8331)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Roya Gol Ahmadi: Department of Persian Language and Literature, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: r.golahmadi@iaui.ac.ir)

(ORCID: 0009-0001-9288-8435)

Gholamreza Amirkhani: Faculty Member, National Library of Iran, Tehran, Iran.

(Email: head@nlai.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-5969-0670)

Bahram Parvin Gonabadi: Department of Persian Language and Literature, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: b.parvin47@iaui.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-6663-5629)

Farhad Tahmasebi: Department of Persian Language and Literature, Isl.C., Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

(Email: farhad.tahmasbi@iaui.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-2380-8331)